

## سیر تحولات حق مؤلف در ایران

• شیما پورمحمدی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی - مالکیت فکری،

وکیل پایه یک دادگستری

### چکیده

اهمیت و تأثیر حقوق مالکیت‌های فکری، به‌ویژه آثار ادبی و هنری، در دنیای امروز بر کسی پوشیده نیست. قوانین ملی و معاهدات بین‌المللی در این زمینه پیشینه طولانی داشته و هم‌اکنون نیز در حال رشد و توسعه روزافزون است. البته کشور ما در این زمینه شاهد فرازونشیب‌های زیادی بوده است که آگاهی از آن برای تحلیل و نقد درست قواعد موجود خالی از فایده نخواهد بود. قانون‌گذاری‌های اولیه، پس از مواجه‌شدن با دورانی از ابهام و تردید، آغازی دوباره داشته و به دوران تثبیت و شکوفایی نزدیک می‌شود. در مقاله حاضر ضمن اشاره به تاریخچه حق مؤلف پیش و پس از اختراع چاپ، سیر تحولات حق مؤلف در ایران، نارسایی‌های قوانین تصویب‌شده در سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۵۲ و ۱۳۷۹ بررسی شده است. کلیدواژه: حقوق مالکیت فکری، حق مؤلف، مالکیت ادبی و هنری، تاریخ حقوق ایران.

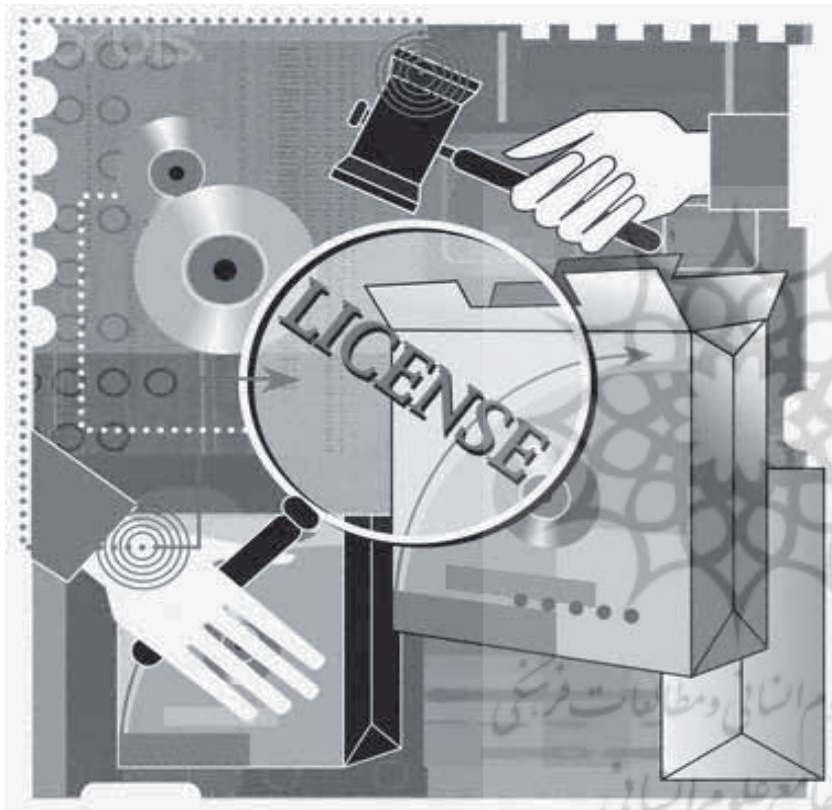
### مقدمه

مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری است. مالکیت ادبی و هنری یا حق مؤلف در خصوص خلاقیت‌های ادبی و هنری از قبیل تصنیفات، تألیفات، آثار هنری، اشعار، داستان، رمان، موسیقی، آثار سینمایی و سایر آثار ادبی، هنری و علمی است. حق مؤلف به دو دسته حقوق مادی و معنوی تقسیم می‌شود. منظور از حقوق مادی هر نوع حق بهره‌برداری مالی یا مادی از اثر است، همچون حق نشر و تکثیر، حق ترجمه، حق عرضه و نمایش. حق معنوی به معنای حق پدیدآورنده اثر برای مخالفت با هرگونه تحریف، تغییر شکل، ناقص کردن یا جرح و تعدیل اثر است که ممکن است به افتخار و شهرت وی لطمه بزند. مهم‌ترین حقوق معنوی عبارتند از: حق انتشار، حق حرمت نام، حق حرمت اثر و حق عدول و پس‌گرفتن. مالکیت

به‌گفته‌اند آندره موریو<sup>۱</sup>، از هنگامی که انسان توانست قلم به‌دست‌گیرد و نگاره بکشد، حقوق معنوی شکوفه زد. با پدیداری ادبیات، سرقت ادبی از سوی مردم نکوهش شد، و با فرآیند تدوین قوانین کسی که دست به سرقت ادبی می‌زد، کیفر می‌دید (حضرتی شاهین‌دژ، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹). مالکیت فکری، رشته‌ای از علم حقوق است که از خلاقیت‌های فکری بشر در زمینه‌های مختلف ادبی، هنری، علمی و صنعتی حمایت می‌کند.

هدف از حمایت این حقوق، تشویق افراد به ایجاد آثار فکری بیشتر و جلوگیری از سوءاستفاده و تجاوز غیرقانونی به آثار پدیدآورندگان آثار است. مالکیت فکری مشتمل بر

## تاریخ چاپ نشان می‌دهد که یونانیان باستان به ضرورت پشتیبانی از مالکیت فکری پی برده بودند و حتی کتابخانه ملی داشته و مقرراتی برای سپردن نسخه‌ای از اثر به کتابخانه ملی وضع کرده بودند تا مورد سرقت ادبی و هنری نابجا قرار نگیرند



ادبی و هنری یا حق مؤلف از دیرباز مورد توجه بوده و شناخت آن در پی برداشتن گام‌هایی صورت گرفت که فرهنگ‌ها و تمدن‌های پیشین و باستانی برداشته‌اند و بررسی فرهنگ‌ها و تمدن‌های باستانی می‌تواند ما را با ریشه و پیشینه مالکیت فکری و همچنین حق مؤلف آشنا کند. بنابراین می‌توان تاریخچه مالکیت فکری را به دو بخش تقسیم کرد: دوران پیش از اختراع چاپ و دوران پس از اختراع چاپ؛ و دوران پس از اختراع دستگاه چاپ نیز از دو منظر وضع قوانین ملی و قوانین بین‌المللی و بیشتر با تمرکز بر حقوق ایران بررسی شود

### دوران پیش از اختراع چاپ

بی‌تردید داستان‌سرایی و تخیل‌پردازی داستان‌گونه پیش از اختراع خط وجود داشته است. هومر و شعراى دوران‌اش اشعارشان را به صورت دهان به دهان منتشر می‌کردند، اما اشعار رانده شده بر زبان با صدای شاعر به پرواز درمی‌آمد و در خاطر شنونده می‌نشست و به محض بیان مورد استفاده همگان قرار می‌گرفت، یا به عبارت بهتر به مالکیت جمع درمی‌آمد. حتی پس از اختراع خط و ساخت کاغذ، تا مدت‌ها هیچ نویسنده و شاعر یا هنرمندی نیندیشیده بود که با تکثیر اثر خود کسب درآمد کند (قصاع، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

به هر حال بسیاری از پژوهشگران، اختراع کاغذ را سرآغاز نشر دستاوردهای فکری می‌دانند. چینی‌های باستان با پنهان نگه داشتن صنعت کاغذ، پس از چند سده به نشر دستاوردهای فکری و هنری خویش دست یازیدند. تا سده پنجم میلادی و در روزگار ادبیات کلاسیک چینی و به هنگام پدیداری فیلسوفان بزرگی چون کنفوسیوس، چینیان چیزی از نشر نمی‌دانستند. از اسناد تاریخی که تازه در چین و کره به دست آمده چنین برمی‌آید که چینیان نخستین مردمی بوده‌اند که با چاپ آشنایی پیدا کرده‌اند (ساکت، ۱۳۸۴، ص ۸۱).

در دوران هخامنشیان و یونان باستان و حتی تا اوج دوران تمدن اسلامی دانش نوشته شده بر کاغذ در اختیار همگان قرار می‌گرفت. اگرچه نویسندگان اصرار داشتند که نامشان به همراه اثر ذکر و ماندگار شود، اما به غیر از کسب افتخار و انتقال دانش هیچ هدف مادی و تجاری نداشتند. در مواردی پادشاهان در ازای تألیف یک اثر به نویسنده آن مبلغی می‌پرداختند که آن هم جنبه هدیه داشت.

تاریخ چاپ نشان می‌دهد که یونانیان باستان به ضرورت پشتیبانی از مالکیت فکری پی برده بودند و حتی کتابخانه

ملی داشته و مقرراتی برای سپردن نسخه‌ای از اثر به کتابخانه ملی وضع کرده بودند تا مورد سرقت ادبی و هنری نابجا قرار نگیرند. همگان می‌توانستند از چاپ اثر مطلع شده و آن را مطالعه کنند، اما اجازه بیرون بردن اثر از کتابخانه را نداشتند. بدین ترتیب آن در سده چهارم پیش از میلاد نظام خاصی برای حفظ آثار در نظر گرفته بود که الگوی بسیاری از کشورها قرار گرفت (ساکت، ۱۳۸۴، ص ۸۲). علاوه بر این بسیاری از نویسندگان یونان باستان با به نمایش درآوردن آثار خود کسب درآمد می‌کردند. آنها مطالب خود را در اجتماعات می‌خواندند و مردم به فراخور حال خود مبلغی می‌پرداختند؛ برای مثال زمانی که هرودوت متن کتاب تاریخ خود را برای اجتماعی از اهالی آتن خواند، مردم آنچنان خوشحال شدند که مبلغی

## هدف از حمایت این حقوق، تشویق افراد به ایجاد آثار فکری بیشتر و جلوگیری از سوءاستفاده و تجاوز غیرقانونی به آثار پدیدآورندگان آثار است

## در میان مسلمانان همواره نگارش و نسخه‌برداری و کتاب‌دوستی کاری پسندیده و دارای پاداش معنوی به‌شمار آمده است

معادل دوازده‌هزار دلار امروز به وی پرداختند (قصاع، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

در رم باستان کتاب‌فروشان بودند که با بهره‌گیری از بردگان آموزش‌دیده، با تکثیر آثار کسب درآمد می‌کردند. آنها گاهی برای اشعار یا نوشته‌ها مبلغی به نویسنده می‌پرداختند که بیشتر جنبه‌ی ادای احترام داشت، نه ادای حق (قصاع، ۱۳۸۵، ص ۱۵). اگرچه رومیان مالکیت فکری را به معنای امروزی آن نمی‌شناختند، با برخی از مفاهیم وابسته به حق مالکیت فکری آشنایی داشتند. آنها حق مالکیت را به این اعتبار که سرشتی مردمی دارد و دارنده‌اش توانایی‌های مقدسی بر آن دارد به رسمیت می‌شناختند. در آن زمان رایج بود سوداگران کتاب، آثار نویسندگان سرشناس را پس از خرید اصل آنها می‌فروختند. ناشران با نویسندگان قراردادهایی می‌بستند و پس از خرید اصل نوشته‌ها آنها را روانه بازار می‌کردند و بدین ترتیب نویسنده کل حقوق خود را بر اثر از دست می‌داد. با پدیداری پاره‌ای از دشواری‌ها، حقوق رم به نویسندگان و هنرمندان اجازه داد در برابر ستم‌ها و تجاوز به دستاوردهای فکریشان دادخواهی کنند (ساکت، ۱۳۸۴، ص ۸۳). سیسرون، سخنور نامی رم به دوست و ناشر خود آتی‌کوس نامه‌ای نوشت و او را به دلیل انتشار بدون مجوز یکی از نوشته‌هایش به نام بالبوس سرزنش کرد (حضرتی شاهین دژ، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰).

در ایران باستان نیز کاتبانی بودند که با رونویسی از آثار نویسندگان شناخته‌شده امرا معاش می‌کردند. نسخه‌برداری از کتاب‌های موفق از سوی افراد سودجو نیز بسیار اتفاق می‌افتاد. صاحب اثر اغلب به دلیل اشتباهات فراوان در نسخه جدید لب به اعتراض می‌گشود. در واقعه بین فردوسی و محمود غزنوی بر سر شاهنامه، اختلاف اصلی بر سر مسائل سیاسی بود. فردوسی اثر خود را شایسته تقدیر و هدیه‌ای بزرگ می‌دانست، اما شاه غزنوی به دلیل تأکیدهای فردوسی بر فرهنگ و تاریخ ایران از اتر راضی نبود و به او بی‌محلی کرد و بعدها هدیه‌ای کوچک برای وی فرستاد (قصاع، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

در میان مسلمانان همواره نگارش و نسخه‌برداری و کتاب‌دوستی کاری پسندیده و دارای پاداش معنوی به‌شمار آمده است. از همان آغاز دانشمندان، نویسندگان و فقیهان مسلمان بر اهمیت نوآفرینی و گریز از تقلید تکیه کرده‌اند. ویرایش و تصحیح کتاب و نسخه‌پردازی از آن - به نوعی نشر اثر - به صورت نوعی پیشه درآمد و اغلب توسط دانشمندان صورت می‌گرفت. ابن ندیم یکی از آنان بود که با همین

نگارش و صحافی به آگاهی‌های سرشاری دست یافت و کتاب جاودانه الفهرست را نوشت (ساکت، ۱۳۸۴، ص ۸۵). رعایت امانت علمی یکی از مسائلی بود که همواره مورد توجه مسلمانان بود و نه فقط درباره قرآن و حدیث، بلکه درباره سایر کتاب‌ها هم مدنظر بود که از نمونه‌های آن، این بود که در صورت بیرون کشیدن متن یا نسبت‌دادن سخنی به گوینده‌ای، منبع آن را ذکر می‌کردند. ابن حدیث پیامبر (ص) همواره آویزه گوش نویسندگان و اندیشمندان مسلمان قرارداد است که: «برکه العلم عزوه الی قائله»؛ یعنی برکت دانش به برگرداندن آن به گوینده‌اش می‌باشد. دانشمندان مسلمان نیز از همان آغاز با پدیده سرقت ادبی روبه‌رو بودند و واژگان سرقت، انتحال (از خود دانستن)، انتهاک (پرده‌دری)، اغاره (چپاول)، غصب و... را درباره متجاوزان به حقوق مالکیت فکری به کار می‌بردند. البته مسلمانان نیز با گونه‌ای از ثبت آثار آشنایی داشتند. نویسندگان و دانشمندان مسلمان نگاهشده‌های خود را به دارالعلم بغداد می‌سپردند تا در آنجا حفظ و نگهداری شود و به این کار «جاودانه‌سازی» می‌گفتند (ساکت، ۱۳۸۴، ص ۸۶).

### دوران پس از اختراع دستگاه چاپ

بسیاری از پژوهشگران معتقدند پیدایش حق مؤلف به تاریخ اختراع چاپ در اروپای سده پانزدهم برمی‌گردد و اختراع دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ آلمانی نقطه آغاز و سرنوشت‌ساز در تاریخ مالکیت فکری است، زیرا بعد از آن بود که چاپخانه‌داران بدون رعایت حقوق نویسندگان و بستن قرارداد به رقابت در چاپ کتاب پرداختند.

از آن پس تقلید و سرقت علاوه بر دست‌نوشته‌ها، تابلوهای هنری و نقاشی‌ها را هم دربر گرفت. برخی از دادگاه‌های اروپایی گواه طرح دعوایی در این باره بودند. گوتنبرگ نخستین کتاب چاپی خود را در ۱۴۵۱ در شهر منتز به چاپ رساند. در ابتدای ظهور دستگاه‌های چاپ، مالک دستگاه چاپ، ناشر نیز بود. نخستین کتاب‌هایی که در آن زمان در اروپا چاپ می‌شد، انجیل و کتاب‌های دعا بود تا اینکه در سال ۱۴۶۵ نشر فاست و شوهر، نخستین کتاب ادبی - هنری را که نوشته سیسرون بود، چاپ کرد. ویراستاری آثار کلاسیک و تطبیق متون کاری دشوار و نیازمند تخصص بود که اغلب ناشران این کار را به‌عهده ادیبان و متخصصان می‌گذاشتند که خود موجب افزایش هزینه کتاب می‌شد. زمانی که ناشری با صرف وقت و هزینه کتابی را چاپ می‌کرد، پس از مدت کوتاهی

می‌دید همان کتاب را ناشر دیگری به قیمت ارزان‌تر چاپ و عرضه کرده است، زیرا هزینه‌ای برای ویرایش و تصحیح متون نپرداخته است. نخستین کسی که به وضع قوانین حقوق پدیدآورنده نیاز پیدا کرد، همان ناشر و مالک چاپخانه فاست و شوهر بود. وی نزد دولت ونیز شکایت برد و حقوق انحصاری چاپ و نشر کتاب‌های سیسرون و پلینی را به مدت پنج سال گرفت. بدین ترتیب برای نخستین بار دولتی با وضع قانون از حقوق یک پدیدآورنده حمایت کرد. در کمتر از یک قرن پس از چاپ نخستین کتاب، دولت‌ها و حاکمان اروپایی به منظور حفظ منافع خود و جلوگیری از انتشار آثاری که مخالف منافع حکومت بود، به اعطای امتیاز انحصاری چاپ و نشر به برخی از چاپخانه‌ها پرداختند تا بدین ترتیب امتیاز انحصاری چاپ هر نوع اثری در دست خودشان باشد. در آغاز سده هفدهم بیشتر کشورهای اروپایی برای رویارویی با امتیازات انحصاری برخی از چاپخانه‌داران، به دفاع از حقوق سایرین براساس نظریه مالکیت فکری پرداختند و برجسته‌ترین نمونه آن برپایی انجمن چاپخانه‌داران (کاغذچیان) بود که در آغاز سده هفدهم در انگلستان پدید آمد و به پشتیبانی از حقوق نویسندگان و پدیدآورندگان آثار فکری و هنری پرداخت. به تدریج کشورهای مختلف به وضع قوانین حمایتی جامع و کامل در زمینه حقوق مؤلفان پرداختند که نخستین قوانین در کشورهای انگلستان (قانون ملکه آن)، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و آلمان تدوین شد (گولدستین، ۲۰۰۱، ص ۷-۵ و کورنیش، ۱۹۹۶، ص ۲۹۷-۲۹۸). در سال ۱۷۱۰ براساس قوانین ملکه آن، برای نخستین بار به نویسندگان انگلیسی حق قانونی بر اثر داده شد. ایالات متحده آمریکا هم به محض استقلال از همین قانون پیروی کرد، اما فرانسویان تا پس از انقلاب فرانسه نتوانستند دارای حقوق پدیدآورنده شوند و تا زمان انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹، دربار مجوز مالکیت بر اثر یا نشر را صادر می‌کرد. در اوج انقلاب فرانسه قوانینی برای حمایت از پدیدآورندگان تصویب گردید که باعث شد بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر هم به تقلید از فرانسه به تدوین و تصویب قوانین قوانین حق مؤلف بپردازند (قصاع، ۱۳۸۵، ص ۲۶).

نیاز به جلوگیری از سرقت ادبی در سطح دنیا باعث شد فرانسه نخستین گام فراملی را بردارد، چراکه در اروپا، ادبیات و کتاب‌های نویسندگان فرانسوی بیش از نویسندگان سایر کشورها سرقت و مرتب در سایر کشورها منتشر می‌شد، لذا دولت فرانسه تا سال ۱۸۵۲ با دولت‌های هلند، ساردینیا،

پرتغال، هانور و انگلستان قراردادهای دوجانبه امضا کرد که براساس آنها طرفین پذیرفتند از چاپ آثار نویسندگان کشور مقابل بدون مجوز خودداری کنند. به مرور عقد قراردادهای دوجانبه بین کشورهای اروپایی افزایش یافت و این گام مهمی در فراملی شدن قوانین حق مؤلف بود که موجب عقد قراردادهای چندجانبه و پس از آن توافق‌نامه‌های بین‌المللی شد. موافقت‌نامه جهانی برن در سال ۱۸۸۷ تدوین شد که نویسندگان فرانسوی به خصوص ویکتور هوگو و دولامارتین در تدوین آن نقش اساسی داشتند (قصاع، ۱۳۸۵، ص ۳۵). در این توافق‌نامه حقوق مادی و معنوی برای پدیدآورندگان آثار تدوین شد و هر کشور موظف گردید از آثار مؤلفان خارجی مثل آثار مؤلفان خودش حمایت کند. پس از این موافقت‌نامه، به تدریج موافقت‌نامه‌های جهانی دیگری نیز در زمینه حق مؤلف تصویب شدند که از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از: موافقت‌نامه جهانی حق مؤلف (۱۹۵۵)، موافقت‌نامه حمایت از تولیدکنندگان آثار صوتی علیه تکثیر غیرمجاز آثار ژنو (۱۹۷۱) و موافقت‌نامه حمایت از حقوق مرتبط رم (۱۹۶۱).

#### تدوین قوانین حق مؤلف در ایران

ایران در این زمینه با تأخیری طولانی روبه‌روست، زیرا تا قبل از پیروزی قیام مشروطه اصولاً قانون‌نویسی در ایران مرسوم نبوده است. پیش از عصر رضاشاه هیچ‌گونه قانونی درباره حق مؤلف وجود نداشت و کتاب‌هایی که چاپ می‌شدند معمولاً حق تقلید و چاپ را محفوظ اعلام می‌کردند، بدون آنکه ضمانت اجرایی داشته باشند. در واقع عبارت «حق طبع محفوظ» یک عبارت صوری و غیرنافذ بود (نوروزی، ۱۳۸۱، ص ۳۱). نخستین قانون رسمی اما ضمنی درباره حق مؤلف به سال ۱۳۰۴ برمی‌گردد. در این سال قانون مجازات عمومی به تصویب کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی رسید. قانون مذکور به مناسبت بحث از «دسیسه و تقلب در کسب و تجارت» مقرراتی نیز در خصوص حقوق مؤلفان و مصنفان و تخلفات چاپ و فروش آثار قابل طبع داشت. مواد ۲۱۳ مکرر و ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون مذکور که اقتباسی از مواد قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه محسوب می‌شدند، معنایی جز به رسمیت شناختن حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری نداشت (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

طبق ماده ۲۴۵ قانون مذکور، هرکس تألیف یا تصنیف دیگری را بدون اجازه مؤلف و مصنف منتشر کند، به پرداخت غرامت محکوم می‌شود و طبق ماده ۲۴۶ این قانون کسی

در آغاز سده هفدهم  
بیشتر کشورهای  
اروپایی برای رویارویی  
با امتیازات انحصاری  
برخی از چاپخانه‌داران،  
به دفاع از حقوق سایرین  
براساس نظریه مالکیت  
فکری پرداختند

## نیاز به جلوگیری از سرقت ادبی در سطح دنیا باعث شد فرانسه نخستین گام فراملی را بردارد، چراکه در اروپا، ادبیات و کتابهای نویسندگان فرانسوی بیش از نویسندگان سایر کشورها سرقت و مرتب در سایر کشورها منتشر می‌شد

که در غیر مورد اقتباس عین جمله تألیف یا تصنیف دیگری را بدون ذکر نام مؤلف و مصنف ذکر کند، نیز به پرداخت غرامت محکوم خواهد شد. توجه قانون مذکور به حفظ حقوق پدیدآورندگان تا آنجا بود که حتی برای فروشندگان آثار غیرقانونی نیز مسئولیت جزایی در نظر گرفته بود. میزان جریمه و مجازات مقرر در آن زمان مبلغ قابل توجهی بوده است و دقت نظر و سخت‌گیری مقنن را دربرخورد با متجاوزان به حقوق مؤلف نشان می‌دهد.

بعد از تصویب این قانون، اقداماتی از سوی نمایندگان مجلس و وزارت فرهنگ و هنر وقت در سال ۱۳۳۴ برای جایگزین کردن قوانین جدید صورت گرفت و طرحی در ۵ ماده و ۲ تبصره از سوی نمایندگان مجلس شورای ملی تقدیم مجلس شد. این طرح به دلیل نارسایی‌ها و کاستی‌هایی از جمله اینکه همه انواع آثار ادبی و هنری را شامل نمی‌شد، به حق معنوی مؤلف توجهی نشده بود و میان حداقل و حداکثر مجازات‌های پیش‌بینی‌شده تناسبی به چشم نمی‌خورد و با توجه به اشکالات دیگر، پس از طرح در جلسه علنی و ارسال آن به کمیسیون به بوته فراموشی سپرده شد (کرمانی‌نژاد بادی، ۱۳۷۶، ص ۱۹).

دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۶ نیز به علت فشار هنرمندان و مؤلفان دولت لایحه قانونی موسوم به «لایحه تألیف و ترجمه» را به مجلس سنا تسلیم کرد که باز هم با توجه به اشکالات محتوایی همانند طرح قبلی عقیم ماند. لایحه قانون حفظ حقوق مؤلف، در سال ۱۳۳۸ تهیه شد که این لایحه هم به علت نواقص موجود به سرنوشت دیگر لوایح و طرح‌ها پیوست. در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ نیز اقداماتی برای تصویب قوانین جدید برای حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری انجام شد، ولی این بار نیز نتیجه‌ای حاصل نشد (مشیریان، ۱۳۳۹، ص ۱۳۶).

در سال ۱۳۴۶، وزارت فرهنگ و هنر وقت، لایحه «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» را تهیه و در آبان ۱۳۴۷ تقدیم مجلس کرد که در ۱۱ دی‌ماه ۱۳۴۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون مشتمل بر ۲۳ ماده است که در تصویب آن از قوانین کشورهای پیشرفته همچون فرانسه، قانون نمونه یونسکو و سازمان جهانی مالکیت فکری استفاده شده است. طبق این قانون، مواد قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در خصوص حق مؤلف ملغی است.

دومین قانون مستقل در این زمینه نیز با نام «قانون

ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» در دی‌ماه ۱۳۵۲ به تصویب مجلس شورای ملی آن زمان رسیده است. هدف اصلی این قانون جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی بود که در خصوص نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر کتاب‌ها و نشریات و به‌ویژه آثار صوتی صورت می‌گرفت و به نوعی تکمیل قانون پیشین و تأکید بر بخش‌هایی از آن بود.

**حق مؤلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی.** با پیروزی انقلاب اسلامی، اجرای قوانین مذکور به دلیل شبهه شرعی دچار مشکل شد و برخی از دادگاه‌ها با استناد به فتوای حضرت امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله از صدور حکم بر مبنای قوانین موضوعه خودداری می‌کردند. طبق فتوای مورد نظر حضرت امام معتقد بودند: «آنچه برخی حق چاپ می‌نامند یک حق شرعی نیست. بنابراین نمی‌توان تسلط مردم بر اموالشان را بدون قرارداد و شرط مورد قبول دو طرف، سلب کرد. بنابراین چاپ کتاب و نوشتن این عبارت که، حق چاپ و تقلید برای صاحب آن محفوظ است، حقی ایجاد نکرده و توافق با دیگران محسوب نمی‌شود. در نتیجه چاپ و تقلید از آن جایز است و کسی نمی‌تواند اشخاص را از این کار منع کند» (موسوی الخمینی، ۱۳۶۳، ص ۵۶۲).

برخی معترض شدند که چرا قضات به جای آنکه طبق اصل ۶۷ قانون اساسی ابتدائاً حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابند، مستقیماً به فتوای امام استناد می‌کنند؟ (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۵۰). این اعتراض وارد نبود زیرا طبق اصول متعدد قانون اساسی تمام قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد، بنابراین اگر قانونی مخالف موازین اسلامی باشد، در نظام حقوقی ایران دارای اعتبار نیست تا قضات دادگاه‌ها بتوانند بر اساس آن حکم کنند. به عبارت دیگر با این فرض که قوانین مزبور مغایر شرع بوده باشد، اصولاً قانون نیستند که بتوان با مراجعه به آن قضاوت کرد.

البته درباره قوانینی که پس از تشکیل مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده‌اند از آن جهت که فقهای شورای نگهبان عدم مغایرت آنها با موازین شرع را تأیید کرده‌اند، چنین فرضی منتفی است و اصل ۱۷۰ تنها به «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی» اشاره می‌کند، یعنی مقرراتی که به تأیید شورای نگهبان نمی‌رسند که در این موارد قضات مکلفند از اجرای آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولتی مخالف با موازین اسلامی خودداری کنند. لذا اصل یادشده این حق را به دادرسان نداده است که از اجرای قوانین مصوب به‌بهانه مغایرت با شرع خودداری کنند، چراکه چنین نظارتی قبلاً از

سوی شورای نگهبان صورت گرفته است (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۶۰)؛ به علاوه حضرت امام در فتوای جداگانه‌ای پس از فتوای فوق اعلام فرموده‌اند: «والی مسلمانان حق دارد هرگونه صلاح جامعه مسلمانان است عمل کند مثل آنکه قیمت‌ها را ثابت کند یا حکم به ثبت صنعت یا انحصار تجاری یا هر چیز دیگری کند که در حفظ نظام و مصلحت مردم مؤثر است» (موسوی الخمینی، ۱۳۶۳، ص ۵۶۳). توجه به این مسئله می‌توانست مجوزی شرعی برای اعتبار قوانین مورد بحث تلقی شود، چنان که برخی از دادگاه‌ها احکام صادره براساس فتوای اول را در مرحله تجدیدنظر نقض کردند (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۵۱).

به هر حال فتوای مذکور تا چندین سال موجب ابهام در سرنوشت حقوق مالکیت فکری و قوانین مربوط به آن شد. پس از پایان جنگ تحمیلی و شروع دوران سازندگی، چگونگی حمایت از حقوق ناشی از آثار ادبی و هنری به مسئله‌ای جدی برای پدیدآورندگان، دادگاه‌ها و نظام حقوقی کشور تبدیل شد. نامه وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی لاریجانی، به رئیس وقت قوه قضائیه، محمد یزدی، را باید تحولی مثبت و آشکار در این مسیر دانست. در این نامه به اهمیت موضوع اشاره شده و درخصوص ابهام حقوقی و تکلیف فقهی مسئله چاره‌جویی شده است. این نامه و پاسخ آن نقطه عطفی در حقوق مالکیت فکری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. در این نامه به عدم رعایت حقوق مؤلفان کتاب‌ها، حقوق ناشران و حق نمایش فیلم‌های سینمایی و آثار سمعی و بصری در محاکم و عدم توجه به قوانین مصوب اشاره شده است. در قسمتی از پاسخ آمده است که: «از نظر ما این حق برای مؤلف، مترجم، نویسنده، هنرمند و تهیه‌کننده، شرعی و براساس فصل دوم و سوم قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، دارای مبنای قانونی است که می‌تواند برای خود محفوظ نگه‌دارد و یا بر اساس قرارداد قانونی به هر کس که مایل باشد، واگذار کند و در این قرارداد شرایط موردنظر خود را منظور دارد که تخلف از آن تصرف در حق غیر شناخته شده و قابل تعقیب کیفی است... در مسائل اجرایی در مواردی که فقهای عظام اختلاف فتوی داشته باشند، باید براساس نظر ولی امر مسلمین عمل نمود و خوشبختانه نظر شرعی لازم‌الریعیه و لازم‌الاجرای مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بر همین مطالبی است که توضیح داده شده، که من با استفاده از فرصت، به همه

همکاران قضایی توجه می‌دهم که طبق قانون و شرع در پرونده‌های مربوط به حق تألیف، ترجمه، تفهیم یک اثر، مثل اختراع ثبت‌شده و... برخورد کرده و احکام حقوقی لازم را تنظیم و صادر نمایند» (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۶۴).

این مکاتبه که در بردارنده توجیه شرعی و دستورالعمل قانونی برای حمایت از حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری بود، علاوه بر فراهم‌ساختن زمینه صدور آرای قضایی صحیح، راه‌گشای طرح مباحثی شد که در نهایت به تصویب قوانین تکمیلی در این زمینه انجامید (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۶۲-۶۴). از جمله قوانین تکمیلی که نیاز به آن به شدت احساس می‌شد، قانونی برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار رایانه‌ای همچون نرم‌افزارها بود. بدین منظور هیئت وزیران در ششم مهرماه ۱۳۷۳ الحاق یک ماده به فصل پنجم لایحه مجازات اسلامی را بدین شرح تصویب کرد: «هرگونه دخل و تصرف غیرمجاز از طریق ورود و خروج، ضبط و ذخیره، پردازش و انتقال داده‌ها و نرم‌افزارهای کامپیوتری و ایجاد یا وارد کردن انواع ویروس‌های کامپیوتری و امثال آن جرم محسوب شده و مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد». لیکن ماده الحاقی مذکور در قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب خردادماه ۱۳۷۵ به تصویب مجلس نرسید.

از آنجاکه قوانین مربوط به مالکیت فکری در کشور ما، فاقد صراحت و جامعیت لازم در زمینه محصولات نرم‌افزاری بود، شورای عالی انفورماتیک کشور از ابتدای اسفند ۱۳۷۰ با تشکیل «گروه بررسی حقوق مؤلفین نرم‌افزارهای کامپیوتری» مطالعات وسیعی انجام داد که بخشی از آن تحت عنوان «حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار» منتشر شد.

گام مهم بعدی در این زمینه تصویب «قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» در چهارم دی‌ماه ۱۳۷۹ است که طی ۱۷ ماده مقررات جامعی را در این زمینه وضع کرد.

«قانون تجارت الکترونیک» مصوب هفدهم دی‌ماه ۱۳۸۲ نیز حاوی مقررات مهمی در حوزه مالکیت فکری است. این قانون هماهنگ با قوانین نمونه جهانی تدوین شده و بر اعتبار قوانین مصوب قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تأکید کرده و فصل‌هایی را به حمایت از حقوق مؤلف در بستر مبادلات الکترونیکی، حمایت از اسرار تجاری و علائم تجاری و مجازات نقض این حقوق اختصاص داده است.

**پیش از عصر رضاشاه هیچ‌گونه قانونی درباره حق مؤلف وجود نداشت و کتاب‌هایی که چاپ می‌شدند معمولاً حق تقلید و چاپ را محفوظ اعلام می‌کردند، بدون آنکه ضمانت اجرایی داشته باشند**

## قرارداد نشر یا عرضه اثر در قانون پیش‌بینی نشده است و تابع قواعد عمومی معاملات است، در صورتی که بهتر بود در این قانون مثل قانون فرانسه اینگونه قرارداد را تابع قواعد خاصی که متضمن حمایت کافی از پدیدآورنده باشد، قرار می‌داد

### نقد و بررسی برخی از قوانین فعلی ایران

قانون «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸، قانون نسبتاً جامعی است که با قوانین پیشرفته دنیا قابل مقایسه است، اما با وجود این نواقصی هم در آن به چشم می‌خورد:

ضبط و اجرا کنند، اندیشید. شاید بهتر بود ثبت اثر برای اولین بار جایگزین اجرای اثر برای اولین بار در ایران شود.

۸. عدم حمایت از حقوق مرتبط یعنی تولیدکنندگان آثار صوتی، اجراکنندگان و سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی، که این حمایت باید از طریق حقوقی شبیه حق مؤلف صورت گیرد.

در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار نیز نکات زیر قابل تأمل است:

۱. اصولاً در بیشتر کشورهای دنیا؛ نرم‌افزار به‌عنوان اختراع شناخته نمی‌شود و بیشتر در حوزه حق مؤلف قرار می‌گیرد، ولی در ماده ۲ این قانون صراحتاً به امکان اختراع بودن نرم‌افزار در صورت وجود شرایط اشاره شده است و این نکته تا حدودی باعث ایجاد تضاد شده است، زیرا در نظام حق مؤلف اجازه بررسی ماهیت اثر را نداریم، ولی در حمایت از اختراع مخصوصاً در سیستم ماهوی، باید ماهیت اثر بررسی گردد. درج تأییدیه فنی توسط شورای عالی انفورماتیک در ماده ۸ نیز بر موجب مشکلات عملی و تضاد با قوانین جهانی می‌شود.

۲. ارجاع به سه سازمان مختلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای عالی انفورماتیک و سازمان ثبت شرکت‌ها مشکلاتی را برای ثبت یک اثر در پیش خواهد داشت.

۳. شفاف نبودن کلمات نرم‌افزارهای مکمل، سازگار و واسط در متن قانون که موجب برداشت‌های متفاوتی از قانون می‌شود.

۴. شرط ماده ۱۶ برای تولید و توزیع موضوع اثر برای اولین بار در ایران قابل انتقاد است، زیرا ممکن است از یک موضوع واحد، آثار مختلفی تولید کرد.

قانون تجارت الکترونیک در بند یک ماده ۶۲، اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی را مشمول قوانین حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ و ترجمه و تکثیر کتاب‌ها و نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲ دانسته، در حالی که در این قوانین، تنها اشاراتی ضمنی به حقوق تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش شده است و درباره حقوق اجراکنندگان هیچ قانونی نداریم و نمی‌توان آنها را مشمول این قوانین قرارداد.

پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از مالکیت ادبی و هنری که براساس قانون نمونه وایپو<sup>۳</sup> و با دیدگاه امکان‌الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و لزوم هماهنگی با قوانین حق

۱. اصالت اثر به‌صورت یک شرط کلی حمایت ذکر نشده است، اگرچه می‌توان آن را از خلال عبارات قانون استنباط کرد.

۲. ذکر اثرهای قابل حمایت در ماده ۲ با پراکنده‌گویی و تکرار صورت گرفته است. مثلاً در بند ۵ طرح و نقش به‌طور کلی معرفی شده و در بندهای ۷ و ۹ نیز به طرح و نقشه ساختمان و نقشه قالی و گلیم اشاره شده است یا در بند ۵ از اثر تجسمی به‌طور کلی سخن به‌میان آمده و در بند ۶ نیز از هرگونه پیکره یاد شده است که یکی از آثار تجسمی است و از نظر قانون‌نویسی بهتر بود که موارد یکسان و مشابه کنار هم ذکر می‌شد.

۳. در بند ۱۱ ماده ۲ اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد، جزء آثار مورد حمایت قانون آورده شده است، اما منظور دقیقاً مشخص نیست و اگر اثر فنی چیزی باشد که جنبه ادبی و هنری ندارد، بلکه صرفاً فنی است، در این صورت داخل در قلمرو قانون حمایت حقوق مؤلفان و... نخواهد بود، بلکه مربوط به مالکیت صنعتی و مشمول قانون ثبت علائم و اختراعات است.

۴. حقوق معنوی پدیدآورنده تعریف نشده است. همچنین بهتر بود به حق عدول و پس گرفتن اثر توسط مؤلف که از جمله حقوق معنوی مؤلف هستند نیز توجه می‌شد.

۵. قرارداد نشر یا عرضه اثر در قانون پیش‌بینی نشده است و تابع قواعد عمومی معاملات است، در صورتی که بهتر بود در این قانون مثل قانون فرانسه اینگونه قرارداد را تابع قواعد خاصی که متضمن حمایت کافی از پدیدآورنده باشد، قرار می‌داد.

۶. قانون درباره مدت حمایت از آثاری که بدون نام پدیدآورنده یا با نام مستعار منتشر می‌شوند، ساکت است.

۷. طبق ماده ۲۲ حقوق مادی، موقعی از پدیدآورنده حمایت می‌شود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد که این امر موجب مشکلات عملی زیادی می‌شود و باید تدابیری برای حمایت از آثار ایرانیانی که به‌علل فنی مجبورند آثار خود را در خارج از کشور

مؤلف دیگر کشورها تهیه شده و در دست بررسی و تدوین است، بسیاری از نواقص قوانین فعلی را در این زمینه برطرف کرده است. در این پیش‌نویس اصطلاحات بکاررفته در قانون در همان مواد ابتدایی تعریف شده است. انواع حقوق معنوی پدیدآورنده به‌طور کامل ذکر شده و استثنائات و محدودیت‌های حقوق مؤلف از نظر دور نمانده است. مدت حمایت از حق مؤلف به پنجاه سال افزایش یافته است. به‌صراحت از حقوق مرتبط (اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی) حمایت شده است، به آنها حقوقی انحصاری اعطا شده و حتی حقوق معنوی اجراکنندگان نیز از قلم نیفتاده است. نکته قابل توجه دیگر در این متن، توجه و دقت زیادی است که در تعیین ضمانت اجراها صورت گرفته و حتی ضمانت اجرای سوءاستفاده از لوازم فنی و شناسنامه اثر نیز از نظر دور نمانده است. علاوه بر این سازمان‌های مدیریت جمعی که تاکنون در ایران سابقه نداشته‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. وجود این سازمان‌ها کمک شایانی به حفظ حقوق مالکیت فکری و حمایت از صاحبان این حقوق می‌کند. لایحه مذکور فعلاً در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دولت در حال بررسی و انجام اصلاحات نهایی به‌منظور تقدیم به مجلس می‌باشد.

#### نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد، در شرایط کنونی هیچ ابهامی در اعتبار مالکیت‌های ادبی و هنری در حقوق ایران وجود ندارد. شبهه‌های شرعی و قانونی در این زمینه، رسماً مرتفع شده و تصویب قوانین در سال‌های اخیر که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده، حاکی از تکامل تدریجی این شاخه از علم حقوق در ایران است و با تصویب پیش‌نویس حمایت از مالکیت ادبی هنری بسیاری از نواقص قوانین فعلی در این زمینه برطرف خواهد شد، اما ایران در روابط خارجی تعهدی در این باره نپذیرفته و تاکنون به هیچ‌یک از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره مالکیت فکری نپیوسته است. البته ایران چهارم تیرماه ۱۳۸۰ به «کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری» ملحق شد که نشانه تمایل نظام حقوقی ایران برای همگام‌شدن با تحولات جهانی در عرصه حمایت از مالکیت‌های فکری است، اما این الحاق به‌معنای پذیرش معاهداتی نیست که اکنون در این سازمان مدیریت می‌شوند و صرفاً به‌منظور حضور در مجامع بین‌المللی و بهره‌مندی از حمایت‌های آن سازمان است، بدون آنکه تعهد حقوقی در پی

داشته باشد. با تصویب پیش‌نویس جدید تا حدودی موضع ایران در برابر کنوانسیون‌های جدید مشخص شده و بهتر می‌توان درباره پذیرش یا عدم پذیرش کنوانسیون‌ها تصمیم گرفت.

#### پی‌نوشت‌ها:

1. Andre Morillot
  2. copyright
  3. WIPO
- مأخذ
۱. اسماعیلی، محسن (۱۳۸۴). حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری و سیر تحول آن در حقوق ایران. مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۰ - ۵۱، ص ۴۹-۷۰.
  ۲. آیتی، حمید (۱۳۷۵). حقوق آفرینش‌های فکری. تهران: نشر حقوق‌دان.
  ۳. حضرتی شاهین‌دژ، محمد (۱۳۷۸). مطالعه تطبیقی حقوق معنوی مؤلف. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۱۰، ص ۱۵ - ۲۵.
  ۴. ساکت، محمد حسین (۱۳۸۴). حقوق مالکیت فکری: تاریخچه و مبانی. مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۰ - ۵۱.
  ۵. قصاب، محمد (۱۳۸۵). قانون کی‌رایت. تهران: نشر پیکان.
  ۶. کرمانی نژادبادی، محمد (۱۳۷۶). بررسی حقوق مادی مؤلف در حقوق ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
  ۷. مشیریان، محمد (۱۳۳۹). حق مؤلف و حقوق تطبیقی. پایان‌نامه دکتری حقوق، دانشگاه تهران.
  ۸. موسوی الخیمینی، روح‌الله (۱۳۶۳). تحریر الوسیله. ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
  ۹. نوروزی، علیرضا (۱۳۸۱). حقوق مالکیت فکری: حق مؤلف و مالکیت صنعتی. تهران: نشر چاپار.
  10. Goldstein, paul, (2001). International Copyright. Oxford, Oxford University Press.
  11. Cornish, W. R. (1996). Intellectual property, patent, copyright, trademarks and Allied Rights. London, sweet & Maxwell.

اصولاً در بیشتر کشورهای دنیا؛ نرم‌افزار به‌عنوان اختراع شناخته نمی‌شود و بیشتر در حوزه حق مؤلف قرار می‌گیرد، ولی در ماده ۲ قانون ۷۹، صراحتاً به امکان اختراع بودن نرم‌افزار در صورت وجود شرایط اشاره شده است و این نکته تا حدودی باعث ایجاد تضاد شده است